



من اینج و دلسته به جای شراب طیور سربربر / ۲۷  
دیروز، امروز، فردا / ۲۸  
خوب است بدانم که نشن مسعودی / ۲۹  
خوب است بدانم که نشن مسعودی / ۳۰  
توییس های یک پدر امیر غیری / ۳۱  
زندگی باید کرد مجدد نموده بخانی / ۳۲  
وقتی در محضر چشمان تو ایستادم مادرین / ۳۳  
فکرکار با عبدالجبار کاتایی پنهان تو بکارن / ۳۴  
تمییز فدخت / ۳۵  
چقدر خسته بود زهرا بات اسفاین / ۳۶  
یاس و اتش نامدار سیستان بزیر / ۳۷  
برای دادم فاعله نهاده احمد بیر / ۳۸  
روج خوشبختی اسید میاد سوزان / ۳۹  
کدام گزینه صحیح است / ۴۰  
مثل بلوفر یاک نعمده اسامیل / ۴۱  
میرات جادیان احمد سعیدی سعیدی / ۴۲  
تاکل خوارشید من مردم سلاطین / ۴۳  
جواب های دادن شکن دادن بان / ۴۴  
نیچه البلاعه تعطیل / انس طوفان / ۴۵  
کل زغفران از پنهان تو بکارن / ۴۶  
وازه شناسی نحمد فولادی / ۴۷  
کل پنهان کرد ارمیسیس / ۴۸  
از ارش چکونه / اسلامی / ۴۹  
ارتباط چشمیں افلاطونی / ۵۰  
دو ویتنام اهل بیان / ۵۱  
حرفی ازان هزاران ابدیت امروز / ۵۲  
اوین حقوق پنهان / ۵۳  
دیوانگان عاقل نهادن ابراهیم زاده / ۵۴  
دلم چقدر ننگ است دهادن / ۵۵  
ویژه نامه وقت / ۵۶  
این صفحه رو بخوبید بسیاری / ۵۷  
هاتا نسله خوش نهاد / ۵۸  
یک... دو... سه... مرد انسان / ۵۹  
ابرفربست، طوفان زمان از ده خبر / ۶۰  
از خانه ات هوان بیرون / ۶۱  
چکونه می توان یک... نعمده اسامیل / ۶۲  
جدول سیسی کریمه / ۶۳  
مسابقه با جایزه / ۶۴  
یک قدم مانده به خدا حافظی / ۶۵

## نیزیه ای این عرفه

طبیه رسوان

تشنهی احساس تو می شویم، تا عرفات حضور می آییم و زیر  
باران عرقات، سیپاپ می شویم.  
ای مهربانی که تمام آفریده ها از آن توست، انسان را آفریدی و  
برآو مت نهادی به نعمت های نیکوت، بلا و هر آنچه سختی بود  
از بو درگردی و از جهات و نکلت به ندای طرفت به سری درخت  
خویش گشاند، ای طلیف حکیم از تو می خواهم نه تنهای یک  
نعمت بلکه بر من از تمام نعمات خود در روزیم بتویس، نعمت هایی  
که هرگاه رویه من ازوند، من رویه تو نمک و شکر احسان نوگذارم،  
ای عزیزا تو به تن بزرگ، به احسان دیرینه ات من نعمت را بر  
من تمام کردی، اما من از تو فریاد تو را من خواهم که از هر  
نعمتی گرانیهاست از تو می خواهم ناذلی من را به بزرگی  
خویش، خطاها را به کرامت بپختایی و رهیی ام کنی به  
هرچه که من را به تو نزدیک می کند و توقیم دهن به آنچه خوشنایند  
تو پاشد، من چنان مرتبه ای عطاکنی ای کریم که هرگاه دست نیاز  
به استان بدل کردم، دعایم (اجایت کنی، خواهش نمودم، عطاکنی  
کن و اگر فرمات بردم، نعمتم دهن، و یقین دارم تو هر آنچه خود  
بخواهی بر ما بخش، ای سیاستی که بزرگ و مقدس ای  
رحمانی که بخشندگی ای و حکیم! بر دست های ناتوان نام لقمه ای  
مهر بگار، بزرگای می سویمان، جراغ مشق بیکن بر دل های بسی  
شوق مان اشتیاق وصال بزیر و بر لب هایمان ذکر هزار اسماء  
زیبایت را جازی کن تا همیشه تو را بخوانم و لحظه ای از تو عاقل  
نگردم، مهربان من!

صاحب امتیاز: دکتر علی هصباح/ مدیر مسؤول: احمد عجمین/ سودبر: حامد حاجتی  
مدیر اجرایی: ابوالاہیم جراغی/ طراح و گرافیست: محمد امین محمدلو  
همکاران این شماره: مرتضی جراغی، علی مسعودی/ چاپ آرتوگرافی: محمد